

بررسی چگونگی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی در مناطق روبه توسعه (با استفاده از شاخص سوت)*

دکتر زهرا انشاری - شیوا معنوی پرست

در این مقاله با استفاده از شاخص سوت به اندازه‌گیری و مقایسه درجه تمرکز کمک‌های رسمی عمرانی (توسعه) (ODA) به مناطق رو به توسعه (آفریقا، جنوب و شرق آسیا، غرب آسیا و آمریکای لاتین) در قالب طرح‌های کمک دوجانبه و نهادهای چند جانبه پرداخته شده است. شاخص سوت به دست آمده برای کمک‌های دوجانبه و چند جانبه به ترتیب ۰/۶۳ - و ۰/۷۱ - است. این موضوع نشان می‌دهد که در جریان کمک‌های رسمی عمرانی از نهادهای چند جانبه مسئله کمک به مناطق رو به توسعه بیشتر از طرح‌های دوجانبه مطرح بوده است. الگوی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی ایالات متحد گرایش شدید به سمت کشورهای متوسط درآمد نشان می‌دهد (۰/۳۵ - S) در حالی که جریان کمک‌های رسمی عمرانی از پرتغال بیشتر به سمت مناطق کم درآمد گرایش دارد (۰/۹۱ - S). بقیه اهدا کنندگان کمک‌های دوجانبه بر مقایسه با ایالات متحد گرایش ملایم‌تری به سمت مناطق در حال توسعه نشان می‌دهند. می‌توان نتیجه گرفت که مسائل استراتژیک و منافع اهدا کنندگان با درجات مختلف بر مسئله کمک به مناطق محروم در تخصیص جریان کمک‌های عمرانی اولویت داشته است.

مقدمه

منابع خارجی به عنوان مکمل منابع داخلی می‌تواند نقش مهمی در کاهش تنگناهای موجود بر سر راه توسعه اقتصادی و رفع نابرابری‌های جهانی داشته باشد. کمک‌های عمرانی (توسعه) می‌تواند از طرق مختلف بر توسعه اقتصادی کشورها مؤثر واقع شود (کاسن و دیگران، ۱۹۸۶). اول این که کمک‌های توسعه از طریق تأمین مالی برنامه‌های کشاورزی و توسعه روستایی یا کمک به فرایند تغییر اجتماعی و یا گسترش خدمات عمومی مانند آموزش،

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «نقش سیاست‌های اقتصاد کلان در موفقیت استقراس خارجی» معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

تغذیه، بهداشت و تنظیم خانواده می‌تواند بر رشد اقتصادی مؤثر واقع شود. از سوی دیگر، با رشد اقتصادی و گسترش خدمات عمومی نابرابری و فقر کاهش می‌یابد، دوم این‌که کمک‌های توسعه می‌تواند به منظور تأمین مالی واردات مورد نیاز به کار رود و از این‌رو فشار بر تراز پرداخت‌ها را کاهش دهد. در این صورت، منابع مورد نیاز برای افزایش عرضه فراهم می‌شود. از سوی دیگر، این کمک‌ها منابع مورد نیاز دولت به منظور سیاست‌گذاری‌ها در زمینه رشد اقتصادی را تأمین مالی می‌کند و بالاخره کمک‌های توسعه از طریق تأمین مالی فعالیت‌های زیربنایی و رشد سرمایه‌گذاری موجبات رشد اقتصادی را در بلندمدت فراهم می‌کند. لذا، با توجه به دسترسی بسیار محدود کشورهای در حال توسعه به بازار سرمایه جهانی، کمک‌های توسعه به‌طور بالقوه می‌تواند نقش مهمی در رفع تنگناهای موجود در کشورهای در حال توسعه داشته باشد. اگر تخصیص این کمک‌ها بر مبنای نیاز کشورها انجام می‌شد و یا به عبارتی فقیرترین کشور بیشترین میزان کمک را دریافت می‌کرد، می‌توانست در رفع نابرابری‌های بین‌المللی مؤثر باشد. مع‌هذا دستیابی به این کمک‌ها در اکثر موارد تحت تأثیر عواملی غیر از نیاز قرار دارد. از این‌رو، هیچ تضمینی وجود ندارد که فقیرترین کشور بتواند سهم بیشتری از کمک‌ها را دریافت کند.

در توزیع کمک‌های عمرانی دوجانبه (کلارک، ۱۹۹۱)، انتقالات سرمایه‌ای عمدتاً با منافع اقتصادی و استراتژیک کشور اهداکننده تعیین می‌شود. در این‌جا کمک‌های توسعه به منظور افزایش صادرات کشور اهداکننده و به منظور افزایش سطح تولید و اشتغال کشور اهداکننده صورت می‌گیرد. در این صورت اهدای کمک به کشور دریافت‌کننده نوعی یارانه برای خرید کالای کشور اهداکننده تلقی می‌شود. دیگر اینکه منافع استراتژیک کشور اهداکننده مطرح است، زیرا هدف از کمک تأمین منافع سیاسی - اقتصادی کشور اهداکننده توسط کشور دریافت‌کننده است (انگیزه سیاسی). انگیزه‌های تجاری در برنامه‌های کمک دوجانبه از آن‌جا که منابع را به سمت کشورهای با توان بالقوه بالاتر هدایت می‌کند، به ضرر کشورهای فقیر تمام می‌شود. درجایی که اهداف سیاسی تعیین‌کننده جهت جریان کمک باشد، در این صورت در بسیاری از موارد منافع استراتژیک کشور اهداکننده مستقل از نیازهای کشور دریافت‌کننده است.

همچنین، در بسیاری از موارد، احساس مسئولیت اخلاقی کمک به کشورهای فقیر، از

بررسی چگونگی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی... ۱۰۳

طریق جبران بی‌عدالتی‌های حاصل از ظلم سیاسی و یا استعمار اقتصادی گذشته، تعیین‌کننده جهت جغرافیایی کمک است. ولی در این‌گونه موارد نیز هرچندکه کمک، به‌عنوان کمک به رشد بلندمدت، از میان برداشتن فقر و مانند آن مطرح می‌شود، منافع استراتژیک کشور اهداکننده نقطه مرکزی تصمیمات در مورد کمک‌های دوجانبه است. در این صورت، کشور اهداکننده از کمک به‌عنوان اهرمی برای جلب حمایت و پشتیبانی دولت و مردم کشور کمک‌گیرنده استفاده می‌کند (روتن، ۱۹۶۷).

بررسی ساختار کمک‌های عمرانی

یکی از مهم‌ترین جریان‌های مالی به کشورهای درحال توسعه، کمک‌های رسمی توسعه عمرانی^۱ (ODA) است که از دو کانال میسر است: الف) کمک‌های عمرانی دوجانبه^۲، ب) کمک‌های عمرانی چندجانبه^۳. کمک‌های عمرانی دوجانبه، کمک‌هایی است که از جانب کشورهای اهداکننده به کشور مورد نظر اعطا می‌شود. درحالی‌که در کمک‌های عمرانی چندجانبه، اهداکننده کمک یک سازمان و یا نهاد بین‌المللی است. (سازمان ملل، ۱۹۹۷).

کل کمک‌های رسمی عمرانی به کشورهای درحال توسعه از ۲۷۲۵۸/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ به ۴۶۱۵۶/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ تغییر یافت (سازمان ملل، ۱۹۹۷). کمک‌های دوجانبه به ترتیب ۷۴ و ۶۷ درصد کل کمک‌ها را در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۵ در بر می‌گرفته‌اند (جدول ۱).

عمده‌ترین اهداکنندگان کمک به کشورهای درحال توسعه کشورهای عضو کمیته کمک توسعه^۴ (DAC) و کشورهای عربی بوده‌اند. سهم کشورهای عربی از ۱۰/۷ در سال ۱۹۸۵ به ۱/۴ در سال ۱۹۹۵ تغییر یافته است.

بررسی سهم کمک‌های توسعه کشورهای اهداکننده برحسب محصول ناخالص داخلی کشورها در جدول ۲ نشان داده شده است. در ۱۹۹۵، بالاترین درصد سهم کمک به محصول ناخالص داخلی به ترتیب مربوط به دانمارک، نروژ، هلند، سوئد و فرانسه، و کمترین سهم مربوط به ایالات متحد بوده است.

1. Official Development Aids

2. bilateral official development aids

3. multilateral official development aids

4. Development Assistance Committee

جدول ۱: کمک‌های عمرانی به کشورهای در حال توسعه

(میلیون دلار)

سال	عنوان
۱۹۹۵	کل کمک‌های رسمی توسعه (عمرانی)
۲۷۲۵۸/۸	کل کمک‌های دوجانبه (DAC)
۳۱۰۳۳/۳	کل کمک‌های دوجانبه عربی
۵۱۶/۱	کل کمک‌های دوجانبه
۳۱۵۴۹/۴	کل کمک‌های چند جانبه (DAC)
۱۴۴۸۴/۴	کل کمک‌های چند جانبه عربی
۱۲۳	کل کمک‌های چند جانبه
۱۴۶۰۷/۴	
۱۹۸۵	
۲۷۲۵۸/۸	
۱۷۴۳۱/۱	
۲۷۷۲/۹	
۲۰۲۰۴	
۶۹۲۲/۳	
۱۳۲/۶	
۷۰۵۴/۹	

Source: UN, World Economic and Social Survey, 1997.

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد، به رغم افزایش نیازهای کشورهای در حال توسعه، رشد کمک‌های عمرانی دوجانبه از ۴/۷ درصد در دهه ۸۵-۱۹۷۶ به ۱/۳ درصد در دهه ۹۵-۱۹۸۶ رسیده است. در میان کشورهای اهداکننده، ایالات متحد، ایتالیا، فنلاند و بلژیک دارای رشد منفی بوده‌اند. نرخ رشد کمک در تمامی کشورها به استثنای زلاند نو و انگلستان روند نزولی داشته است. همچنین اسپانیا و لوکزامبورگ به جرگه کشورهای کمک‌کننده پیوسته‌اند.

جدول ۴ نشان می‌دهد که ۶۱/۴ درصد از کمک‌های عمرانی دوجانبه در ۱۹۹۵ به صورت بلاعوض، ۷/۵ درصد به صورت وام و مابقی به صورت کمک‌های فنی بوده است. بیشترین کمک‌های بلاعوض به ترتیب مربوط به ایالات متحد، زلاند نو، استرالیا، تروژ، سوئد و فرانسه بوده است.

در میان کشورهای اهداکننده کمک‌های دوجانبه در ۱۹۹۵، به ترتیب ژاپن (۸۵۴۳/۲ میلیون دلار)، فرانسه (۵۶۵۲/۲ میلیون دلار)، ایالات متحد (۴۸۸۱ میلیون دلار)، آلمان (۳۳۷۰/۴ میلیون دلار)، و انگلستان (۱۱۸۸ میلیون دلار) بزرگ‌ترین اهداکنندگان منابع

بررسی چگونگی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی... ۱۰۵

جدول ۲: میزان کمک‌های عمرانی خالص برحسب درصدی از محصول ناخالص ملی در سال‌های منتخب

کشورهای اعطاکننده کمک‌ها (DAC)	۱۹۸۹	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۵
فرانسه	۰/۷۸	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۵۵
آلمان	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۳۹	۰/۳۷	۰/۳۱
ایتالیا	۰/۴۲	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۱۵
هلند	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۸۱
انگلستان	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۲۸
دانمارک	۰/۹۴	۰/۹۶	۱/۰۲	۱/۰۳	۰/۹۶
بلژیک	۰/۴۶	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۳۸
ایرلند	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۰	۰/۲۹
استرالیا	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۳۶
اتریش	۰/۲۲	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۳
کانادا	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۵	۰/۳۸
فنلاند	۰/۶۲	۰/۷۶	۰/۶۲	۰/۴۵	۰/۳۲
ژاپن	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۲۸
زلاند نو	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۳
نروژ	۱/۰۴	۱/۱۴	۱/۱۶	۱/۱۰۱	۰/۸۷
سوئد	۰/۹۵	۰/۹۲	۱/۰۳	۰/۹۸	۰/۷۷
سوئیس	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۴۶	۰/۳۳	۰/۳۴
ایالات متحد	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۰

Source: United Nations, *World Economic and Social Survey*, different editions.

جدول ۳: رشد کمک‌های عمرانی

(درصد)

۱۹۸۶-۱۹۹۵	۱۹۷۶-۱۹۸۵	کشور
۰/۶	۴/۲	کل کمک‌های رسمی توسعه‌ای
۱/۳	۴/۷	کل کمک‌های دوجانبه‌ای DAC
۲/۴	۷/۸	۱. اتریش
-۲/۶	۱/۹	۲. بلژیک
۲/۹	۶/۳	۳. دانمارک
-۰/۸	۱۱/۴	۴. فنلاند
۱/۸	۵/۶	۵. فرانسه
۰/۰	۳/۸	۶. آلمان
۶/۴	۱۲/۳	۷. ایرلند
-۰/۵	۱۳/۳	۸. ایتالیا
۱۰/۷	-	۹. لوکزامبورگ
۰/۷	۵/۹	۱۰. هلند
-	-	۱۱. پرتغال
۱۳/۸	-	۱۲. اسپانیا
۱/۵	۲/۵	۱۳. سوئد
۱/۳	-۰/۱	۱۴. انگلستان
۰/۵	۱/۱	۱۵. استرالیا
۰/۴	۲/۸	۱۶. کانادا
۲/۳	۶/۹	۱۷. ژاپن
۰/۶	-۳/۳	۱۸. زلاند نو
۲/۵	۹/۲	۱۹. نروژ
۳/۱	۷/۸	۲۰. سوئیس
-۳/۴	۱/۷	۲۱. ایالات متحد

Source: UN, *World Economic and Social Survey*, 1997, debt tables, 1998.

بررسی چگونگی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی... ۱۰۷

جدول ۴: درصد توزیع کمک‌های رسمی عمرانی برحسب نوع آن‌ها در ۱۹۹۵

عنوان	کمک دوجانبه			کمک چند جانبه	
	کمک بلاعوض	وام	همکاری فنی	از طریق IDA	از طریق سازمان ملل
کل	۶۱/۴	۷/۵	۲۴/۳	۹/۲	۷/۲
کشورهای (DAC)	۶۱/۷	۳/۶	۲۵/۴	۷/۸	۶/۰
۱. اتریش	۴۹/۲	۲۳/۹	۲۱/۱	۷/۶	۴/۶
۲. بلژیک	۵۱/۵	-۱/۸	۲۸/۴	۲۰/۱	۴/۵
۳. دانمارک	۶۶/۳	-۱۱/۲	۶/۲	۵/۸	۲۰/۲
۴. فنلاند	۶۲/۶	-۵/۷	۱۳/۱	۸/۸	۱۷/۸
۵. فرانسه	۶۹/۸	۶/۴	۲۹/۹	۵/۷	۱/۳
۶. آلمان	۵۸/۴	۵/۶	۳۲/۹	۹/۸	۴/۱
۷. ایرلند	۵۷/۵	۰/۰	۳۴/۰	۴/۶	۹/۸
۸. ایتالیا	۳۷/۵	۱۲/۲	۵/۰	۰/۶	۹/۱
۹. لوکزامبورگ	۶۶/۲	۰/۰	۳/۱	۷/۷	۷/۷
۱۰. هلند	۷۸/۹	-۹/۳	۲۹/۴	۷/۵	۹/۵
۱۱. پرتغال	۴۱/۰	۲۴/۷	۲۷/۳	۲/۶	۷/۰
۱۲. اسپانیا	۳۹/۵	۲۱/۰	۱۲/۵	۹/۱	۳/۴
۱۳. سوئد	۶۹/۸	۰/۰	۱۳/۹	۶/۸	۱۵/۲
۱۴. انگلستان	۵۳/۹	-۱/۰	۲۴/۸	۱۰/۳	۶/۱
۱۵. استرالیا	۷۷/۶	۰/۰	۳۰/۷	۷/۲	۸/۱
۱۶. کانادا	۶۹/۰	-۲/۰	۱۹/۲	۹/۷	۹/۲
۱۷. ژاپن	۴۳/۵	۲۸/۴	۱۶/۶	۱۳/۱	۵/۱
۱۸. زلاند نو	۷۸/۹	۰/۰	۳۴/۱	۷/۳	۶/۵
۱۹. نروژ	۷۲/۴	۰/۵	۱۴/۱	۶/۹	۱۸/۵
۲۰. سوئیس	۷۲/۳	-۰/۵	۳۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۵
۲۱. ایالات متحده	۸۶/۷	-۱۰/۵	۳۵/۵	۷/۴	۱۳/۲
* کشورهای عربی	-	-	۶۹/۸	۳۰/۲	-
۱. عربستان سعودی	-	-	۹۲/۷	۷/۳	-
۲. کویت	-	-	۸۴/۶	۱۵/۴	-
۳. امارات متحده عرب	-	-	-	-	-
* سایر کشورهای درحال توسعه	-	-	۶۵/۲	۵۷/۱	-
۱. جمهوری کره	-	-	۸/۸	۱۰/۱	-
۲. تایوان	-	-	۷۶/۰	۲۴/۰	-
۳. ترکیه	-	-	-	-	-

Source: UN, World Economic and Social Survey, 1997.

جدول ۵. توزیع ناحیه‌های کمک‌های رسمی عمرانی از منابع اصلی (۱۹۹۵ - ۱۹۸۴)

(بillion دلار)

کشور	تمام کشورهای در حال توسعه		امریکا لاتین		افریقا		غرب آسیا		جنوب و شرق آسیا	
	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵	۱۹۸۳-۱۹۹۵
کره جنوبی رسمی توسعه (عالمی)	۷۸/۵۸/۸	۲۶/۱۵۶/۷	۳۰۲۲۷/۵	۵۰۱۸/۳	۳۰۹۱۸/۲	۲۰۹۶۴/۲	۲۰۸۳۱/۷	۲۰۸۳۱/۷	۸۰۳۳۱/۷	۱۵۰۹۳۳/۸
کمک‌های دوجانبه (کشورهای DAC)	۱۷/۳۳۱/۱	۳۱/۰۳۳/۳	۲۰۳۰/۰	۲۰۳۳۴/۶	۷۵۵۹۵/۵	۱۳۰۱۵۱/۶	۵۳۳۷/۷	۵۳۳۷/۷	۵۳۳۳۹/۸	۱۱۰۳۸۸/۲
استرالیا	۵۳۱/۲	۷۸۵/۶	۰/۱۶	۰/۷	۷۶/۱	۵۹/۸	۲/۶	۲۹۱/۷	۲۹۱/۷	۷۲۲/۶
ارژنتین	۱۳۴/۱	۳۵۹/۳	۶/۵	۳۱/۵	۱۱۳/۰	۱۳۷/۳	۲۶/۵	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۶۴/۱
بلژیک	۲۳۷/۳	۳۳۴/۸	۱۶/۰	۷۶/۷	۱۸۶/۸	۲۱۳/۲	۵/۸	۵/۸	۳۰/۰	۷۸/۰
کانادا	۸۱۵/۸	۷۶۶/۵	۴۰/۳	۱۳۱/۱	۳۷۵/۹	۳۳۴/۲	۱۸/۲	۲۹۶/۸	۲۹۶/۸	۳۳۱/۹
دانمارک	۲۰۷/۷	۵۶۸/۵	۴/۲	۴۸/۶	۱۲۵/۵	۳۶۸/۱	۱/۶	۷۶/۵	۷۶/۵	۱۵۰/۶
فرانسه	۱۰۴/۲	۱۶۱/۶	۷/۳	۱۵/۳	۷۳/۶	۸۷/۸	۴/۶	۲۳/۰	۲۳/۰	۵۲/۹
آلمان	۲۰۱/۲۰	۵۵۵/۲	۱۲۵/۳	۲۹۴/۲	۱۵۳۳۶/۸	۳۰۷۹۶/۵	۱۵۷/۶	۲۸۷/۳	۲۸۷/۳	۱۰۳۰۵/۰
ایرلند	۱۰/۴	۳۳۷/۰/۴	۲۰۴/۳	۵۲۳/۴	۷۷۰/۳	۱۰۶۶/۸	۱۵۸/۳	۵۲۶/۱	۵۲۶/۱	۱۰۳۲۰/۸
ایتالیا	۶۳۸/۶	۱۰۱۰/۱۵	۰/۱	۱/۷	۱۰/۱	۴۹/۶	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۲/۶
ژاپن	۲۰۳۶۶/۷	۸۵۳۳/۲	۲۷۷/۰	۱۸۹/۷	۴۹۵/۷	۱۰۳	۳۴/۳	۳۲/۶	۳۲/۶	۱۷۸/۳
لوکزامبورگ	-	۱۶/۰	-	۴/۲	۳۸۱/۵	۱۵۵۷/۱	۲۶۶/۲	-	-	۵۵۸۳/۱
هلند	۷۱۷/۷	۱۰۳۳۲/۸	۱۶۵/۶	۳۹۷/۸	۲۹۸/۳	۶۵۵/۳	۱۵/۱	۷۳۳/۶	۷۳۳/۶	۲۲۲/۳
نروژ	۴۰/۶	۸۱/۱	۰/۲	۱/۱	۰/۳	۳/۵	۰/۱	۳۰/۰	۳۰/۰	۷۶/۵
سوئد	-	۱۹۱/۸	-	۰/۷	-	۱۹۰/۷	-	-	-	۰/۳

بررسی چگونگی توزیع کمک‌های رسمی عمرانی ... ۱۰۹

ادامه جدول ۵

(میلیون دلار)

کشور	جنوب و شرق آسیا		غرب آسیا		افریقا		امریکای لاتین		تمام کشورهای درحال توسعه	
	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵	۱۹۸۲-۱۹۹۵
ترید	۱۲۱/۴	۸۴/۱	۱/۲	۲۶۲/۲	۱۷۷/۰	۱۳/۹	۶۰/۳	۵۷۵/۸	۲۷۶/۲	
اسیایا	۱۷۳/۱	-	۲/۹	۱۵۶/۵	-	-	۳۹۹/۵	۷۳۰/۹	-	
سوئد	۳۴۴/۹	۱۵۸/۹	۱/۸	۴۱۵/۱	۲۵۴/۱	۳۳/۸	۱۳۳/۹	۸۰۹/۸	۴۴۹/۶	
سوئیس	۱۳۳/۰	۳۷/۴	۲/۸	۳۳۱/۸	۱۰۵/۹	۲۱/۳	۹۸/۲	۳۸۲/۷	۱۸۷/۴	
انگلستان	۳۳۲/۴	۲۷۱/۹	۱۲/۶	۶۰۲/۸	۲۹۷/۱	۵۲/۱	۱۱۶/۲	۱۰۱۸۸/۰	۶۳۲/۶	
ایالات متحده	۳۳۴/۰	۸۱۳/۵	۱۸۵۳/۰	۲۰۰۸۷/۰	۲۵۴۶/۵	۱۰۳۰۳/۵	۱۰۱۴۱/۵	۳۸۸۱/۰	۶۰۳۴۶/۵	
کل کمک‌های چند جانبه	۲,۹۳۰/۷	۳۹۴/۵	۳۳۱/۲	۷,۵۸۳/۲	۲,۹۶۲/۵	۸۱۶/۴	۱,۷۷۶/۱	۱۴,۴۸۴/۴	۶,۹۲۲/۳	
کشورهای (DAC)	۱۶,۰۱۹/۰	۸,۲۴۲/۰	۲,۳۳۶/۹	۲۰,۶۳۵/۸	۱۰,۵۵۸/۰	۲,۲۱۶/۴	۶,۰۲۰/۷	۴۵,۹۱۷/۶	۲۴,۳۵۳/۳	
کل کمک‌های دوجانبه و چند جانبه	-۶۲/۲	۱۶۴/۵	۳۷۰/۷	۱۰۹/۶	۱۰۰۱۴/۹	۰/۴	۰/۰	۵۱۶/۱	۲,۷۷۷/۹	
کل کمک‌های دوجانبه از کشورهای عربی	-۵/۱	۲۵/۲	۳۴/۲	۷۲/۹	۶۷/۶	۵/۷	-۲/۳	۱۳۲/۰	۱۳۲/۶	

Source: UN, World Economic and Social Survey, 1997.

عمرانی دوجانبه به کشورهای در حال توسعه بوده‌اند. این چند کشور حدود ۳٪ کل کمک‌های عمرانی را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو، چگونگی توزیع کمک‌ها توسط این کشورها می‌تواند نقش مؤثری در تقلیل نابرابری‌های بین‌المللی داشته باشد (جدول ۵).

بررسی چگونگی توزیع منطقه‌ای این کمک‌ها نشان می‌دهد که در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آفریقا بیشترین سهم کمک‌های عمرانی را به خود اختصاص داده است، نواحی جنوب و شرق آسیا دومین دریافت‌کننده کمک بوده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: توزیع منطقه‌ای کمک‌های عمرانی در میان مناطق در حال توسعه

(درصد)

منطقه	کل		دوجانبه		چند جانبه	
	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵
آفریقا	۴۳	۴۵	۳۸	۴۱	۴۲	۵۲
آمریکای لاتین	۱۲	۱۳	۱۳	۱۸	۱۲	۱۳
غرب آسیا	۱۴	۷	۱۵	۷	۴	۳
جنوب و شرق آسیا	۳۱	۳۵	۲۸	۳۴	۴۲	۳۲

توضیح: محاسبه شده براساس نتایج زیر:

United Nations: *World Economic and Social Survey*, 1997.

IMF, *World Economic Outlook*, 1998.

مروری بر تحقیقات انجام شده در مورد چگونگی توزیع منابع خارجی بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه کمک‌های توسعه به بررسی اثر کمک‌ها بر توسعه اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده از طریق مدل‌های اقتصاد سنجی پرداخته‌اند. ولی در معدودی از این تحقیقات به روی دیگر سکه یعنی چگونگی توزیع کمک‌های عمرانی در میان کشورهای توسعه یافته پرداخته‌اند. از میان این تحقیقات، کلارک (۱۹۹۵) با استفاده از داده‌های سال ۱۹۸۷ به بررسی کمک‌های رسمی عمرانی در میان ۱۱۹ کشور در حال توسعه می‌پردازد. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در توزیع کمک‌های دوجانبه مسئله منافع کشورهای اهداکننده شامل منافع اقتصادی و سیاسی بیش از کمک‌های چند جانبه مطرح بوده است. در توزیع کمک‌های چند جانبه هرچند انگیزه‌های سیاسی نیز مطرح بوده است، مع‌هذا انگیزه کمک بیشتر مطرح بوده است.

در این مقاله برآنیم که به بررسی چگونگی توزیع کمک‌های عمرانی در میان مناطق مختلف در حال توسعه دنیا پردازیم. سؤالی که مطرح می‌شود این است که انگیزه توزیع کمک‌های عمرانی چه بوده است. فرضیاتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

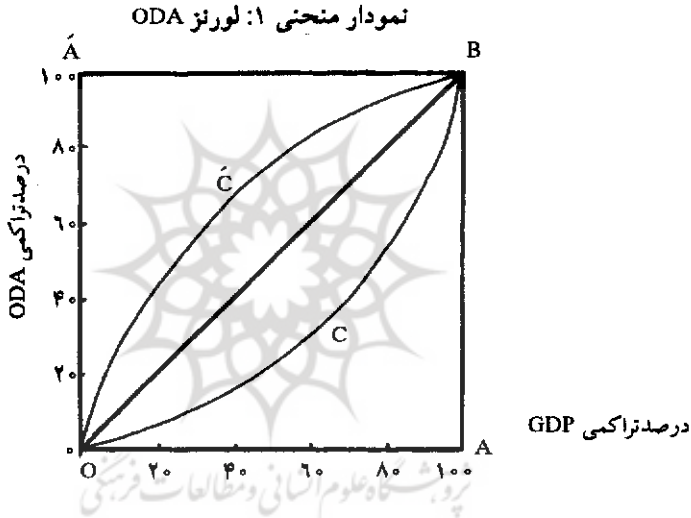
۱. توزیع کمک‌های عمرانی به منظور کمک به توسعه مناطق محروم، فقرزدایی، حمایت از محیط زیست و... صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر نیاز مبنای کمک توسعه بوده است.
۲. توزیع کمک‌های توسعه به منظور افزایش صادرات، حفظ اشتغال و رشد اقتصادی کشور اهداکننده بوده است؛ به عبارت دیگر انگیزه اقتصادی مطرح بوده است.
۳. در توزیع کمک‌های توسعه منافع استراتژیک کشور اهداکننده مهم بوده است، یعنی انگیزه سیاسی مطرح بوده است.

روش تحقیق

در این تحقیق، برای اندازه‌گیری نحوه توزیع کمک‌های عمرانی در سطح جهان از شاخصی از خانواده منحنی‌های لورنز و ضریب جینی به نام شاخص سوت (Suit) استفاده می‌شود. برای محاسبه این شاخص ابتدا کشورهای دریافت‌کننده کمک را برحسب محصول ناخالص داخلی سرانه رتبه‌بندی می‌کنیم. اگر محور مختصاتی رسم کنیم، بر روی محور افقی درصد تراکمی محصول ناخالص داخلی سرانه کشورهای دریافت‌کننده کمک و بر روی محور عمودی درصد تراکمی کمک‌های عمرانی قرار گیرد (کمک‌های رسمی عمرانی ژاپن، ۱۹۹۲)، در این صورت با توجه به نمودار ۱ می‌توان گفت که اگر کمک‌های عمرانی در میان کشورهای دریافت‌کننده با توجه به سهم آن‌ها در کل محصول ناخالص داخلی سرانه توزیع شده باشد، در این صورت روی خط قطری OB قرار خواهد گرفت. اگر منحنی زیر خط قطری قرار گیرد (OCB)، در این صورت درصد تراکمی کمک‌ها کمتر از درصد تراکمی محصول ناخالص داخلی سرانه کشورها خواهد بود، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز کمک‌ها در میان کشورهای با درآمد بالا است. در حالت حدی، اگر کل کمک‌ها به سوی دریافت‌کننده با بالاترین درآمد جریان یابد، روی OAB قرار خواهد گرفت. اگر منحنی بالای خط قطری قرار گیرد OCB، یعنی درصد تراکمی کمک‌های عمرانی بیش از درصد تراکمی GDP سرانه باشد، در این صورت کمک‌های عمرانی به سمت کشورهای کم درآمد متمرکز است. در

حالت حدی نیز که فقیرترین دریافت‌کننده تمامی کمک‌ها را دریافت می‌کند، در نقطه \hat{A} قرار خواهد گرفت (O \hat{A} B).

می‌توان درجه متوسط تمرکز کمک‌های عمرانی در میان دریافت‌کنندگان کمک را با استفاده از شاخص سوت به دست آورد. این شاخص برحسب سطوح زیر مثلث OAB (سطوح K)، و سطح بین منحنی لورنز و محور افقی (سطح L) محاسبه می‌شود. شاخص سوت را به این صورت می‌توان تعریف کرد: $S = 1 - \frac{L}{K}$



اگر $S = 1$ باشد، تمام کمک‌ها به سمت کشور با بالاترین درآمد تخصیص می‌یابد.
 اگر $0 < S < 1$ باشد، بدین معنا است که کمک‌ها در میان کشورهای با درآمد بالا متمرکز است.

اگر $S = 0$ باشد، توزیع سهم ODA و GDP سرانه مساوی هستند.
 اگر $-1 < S < 0$ باشد، در این صورت کمک‌ها به سمت کشورهای با درآمد پایین متمرکز است.

اگر $S = -1$ باشد، در این صورت تمام کمک‌ها به کشور با پایین‌ترین درآمد اختصاص می‌یابد. شاخص سوت بین -1 و $+1$ در نوسان است.

همان‌طور که گفته شد، این شاخص معیار خلاصه‌ای از متوسط درجه تمرکز کمک‌های توسعه‌ای در میان کشورهای دریافت‌کننده کمک را نشان می‌دهد. درست مشابه ضریب جینی، شاخص سوت نابرابری عمودی و یا تفاوت در سهم کمک‌های عمرانی مشاهده شده در میان کشورهای در سطوح مختلف درآمد سرانه را نشان می‌دهد. از این‌رو، این شاخص برای قضاوت در مورد تغییرات حاصل در توسعه اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده قابل استفاده نیست. همچنین این شاخص تنها توزیع کمک‌ها برحسب محصول ناخالص داخلی سرانه را نشان می‌دهد و سایر عوامل مانند جمعیت، منابع طبیعی و... را دربر ندارد. لذا، این شاخص صرفاً اطلاعات مفیدی در مورد درجه متوسط تمرکز کمک‌های عمرانی در میان کشورهای دریافت‌کننده کمک برحسب درآمد (محصول ناخالص داخلی سرانه) به دست می‌دهد.

همچنین، لازم به توضیح است که در اهداء کمک‌ها، قطعاً اهداف و معیارهایی علاوه بر کمک به رشد و توسعه مناطق محروم از جمله اهداف سیاسی و استراتژیک مطرح بوده است که شاخص سوت به تنهایی قادر به تبیین آن‌ها نیست، ولی به کمک اطلاعات اضافی که از گزارش‌های سازمان‌های رسمی جهانی به دست آمده و در این تحقیق به آن‌ها استناد شده است، می‌توان در این موارد نیز به استنباط و استنتاج‌هایی دست یازید.

بنابر این، و به‌طور خلاصه، اگر گرایش کمک به سمت کشورهای با درآمد سرانه بالا باشد، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه جریان کمک، انگیزه اقتصادی بوده است ($S > 0$)؛ اگر گرایش به سمت کشورهای با درآمد سرانه پایین باشد ($S < 0$)، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه استراتژیک یا کمک به مناطق محروم وجود داشته باشد. هرچه شاخص به (۱-) نزدیک‌تر شود به این مفهوم است که انگیزه کمک به توسعه مناطق محروم وجود داشته است، و هرچه به قطر نزدیک شویم گرایش به سمت کشورهای متوسط درآمد افزایش می‌یابد، در این صورت هم انگیزه اقتصادی و هم انگیزه کمک به مناطق محروم مد نظر قرار داشته است. با توجه به ترکیب کمک‌های عمرانی کشورهای اهداکننده که از مطالعات انجام شده صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه استراتژیک در اعطای کمک‌ها وجود داشته است.

داده‌های تحقیق

برای محاسبه شاخص سوت دوسری داده مورد استفاده قرار گرفته است.

الف) داده‌های مربوط به اهداکنندگان کمک: اهداکنندگان کمک در قالب کمک‌های دوجانبه عمرانی، کمک‌های چندجانبه عمرانی و کل کمک‌های رسمی عمرانی تقسیم‌بندی شده‌اند. به علاوه، از ۲۱ کشور اهداکننده کمک‌های دوجانبه DAC، کشورهایی که در مجموع حدود $\frac{3}{4}$ کمک‌های دوجانبه عمرانی را اهدا می‌کنند، شامل ژاپن، فرانسه، ایالات متحده، آلمان و انگلستان به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند.

ب) داده‌های مربوط به دریافت‌کنندگان کمک: به‌علت عدم دسترسی به آمار مربوط به تک تک کشورهای درحال توسعه دریافت‌کننده کمک، با توجه به تقسیم‌بندی‌های موجود، جریان کمک به کشورهای درحال توسعه به‌صورت منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. مناطق دریافت‌کننده کمک شامل امریکای لاتین، آفریقا، جنوب و شرق آسیا، و غرب آسیا هستند. داده‌های این تحقیق از نشریه بررسی اقتصادی و اجتماعی جهان، سازمان ملل، استخراج شده است.

نتایج تحقیق

جدول ۷ توزیع کمک‌های عمرانی به نواحی درحال توسعه در سال ۱۹۹۵ را که برحسب درصد‌های تراکمی مرتب شده‌اند، نشان می‌دهد. این جدول به‌طریقی تنظیم شده است که بتوان شاخص سوت را محاسبه کرد. نواحی توسعه نیافته برحسب محصول ناخالص داخلی سرانه از بالا به پایین مرتب شده‌اند. ستون ۱ تراکمی دریافت‌کنندگان کمک را نشان می‌دهد، و ستون ۲ درصد تراکمی کل محصول ناخالص داخلی دریافت‌کنندگان کمک را نمایان می‌سازد. مقایسه ارقام سطر ۱ تا ۴ دامنه وسیع کشورهای درحال توسعه را از نظر محصول ناخالص داخلی سرانه نشان می‌دهد.

ستون‌های ۳ تا ۱۰ درصد‌های تراکمی کمک‌های رسمی دوجانبه را به تفکیک کشورهای مهم اهداکننده نشان می‌دهد و ستون‌های ۱۱ و ۱۲ درصد‌های تراکمی کل کمک‌های دوجانبه و چندجانبه را نشان می‌دهند، و بالاخره ستون آخر درصد تراکمی کل کمک‌ها را نشان می‌دهد. با استفاده از اطلاعات جدول ۷ و با استفاده از شاخص سوت، ارقام محاسبه شده در جدول ۸

جدول ۷: توزیع تراکمی کمک‌های خالص ODA در میان دریافت‌کنندگان کمک‌ها، ۱۹۹۵

(درصد)

کل کمک‌ها	طرح‌های دوجانبه	چند جانبه	آژانس‌های	زنان و نو	پرتقال	سوئیس	انگلستان	فرانسه	آلمان	ژاپن	ایالات متحده	GDP سرانه	منطقه
۴۵/۵۵	۴۲/۳۸	۵۲/۳۵	۳/۳۱	۹۹/۴۲	۴۷/۸۲	۵۰/۷۴	۶۷/۱۶۶	۴۳/۵۲	۱۷/۶۳	۴۲/۷۵	۹/۵۳	افریقا	
۸۰/۷۴	۷۸/۷۵	۸۵/۰۱	۹۸/۶۳	۹۹/۵۷	۷۷/۳۷	۸۷/۹۳	۹۷/۰۱	۷۹/۷۴	۸۲/۹۹	۴۹/۵۹	۲۹/۳۸	جنوب و شرق آسیا	
۹۳/۹۶	۹۲/۳۲	۹۷/۲۷	۹۹/۹۸	۶۹/۹۳	۹۵/۵۷	۹۶/۹۱	۹۷/۱۹	۹۵/۲۹	۹۴/۵۴	۷۷/۹۷	۵۱/۷۲	امریکای لاتین	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	غرب آسیا*	

Source: United Nations, *World Economic and Social Survey*, 1997.

* غرب آسیا کشورهای بحرین، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی، یمن و اسرائیل را دربر می‌گیرد. امکان تفکیک دریافت‌کنندگان کمک بر حسب کشورها به تبع آن ایران بیشتر نیست.

و در نمودارهای ۲ و ۳ آمده است.

در زیر به بررسی توزیع کمک‌های عمرانی به دو طریق چند جانبه و دوجانبه می‌پردازیم. همچنین، همان‌طور که در قبل گفته شد، ۵ کشور بیش از $\frac{3}{4}$ کمک‌های عمرانی را در جهان انجام می‌دهند. لذا، بررسی جداگانه این ۵ کشور کمک مهمی به درک چگونگی توزیع این کمک‌ها خواهد کرد.

الف) کمک‌های رسمی عمرانی چند جانبه در سال ۱۹۹۵: کل کمک‌های عمرانی $14607/4$ میلیون دلار بود که $0/8$ درصد توسط کشورهای عربی و مابقی توسط کشورهای DAC توزیع شده بود. شاخص سوت محاسبه شده برابر با $S = -0/718$ است.

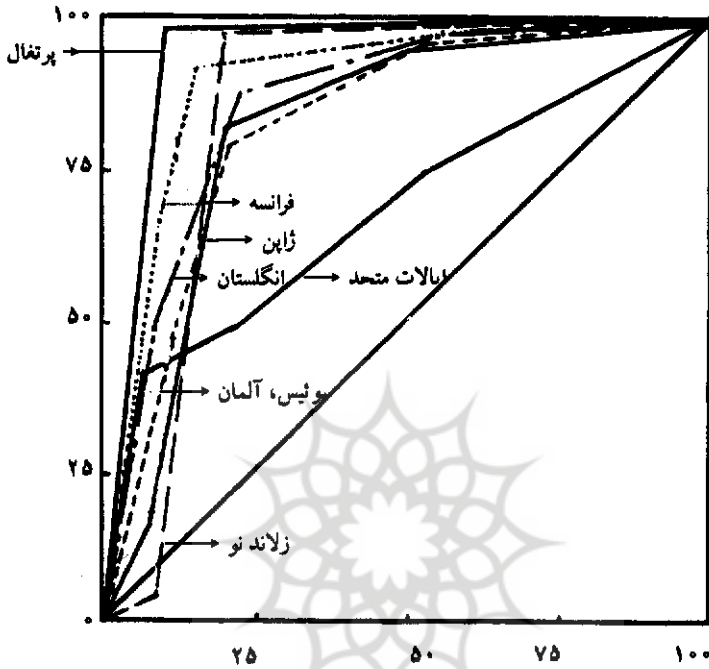
علامت منفی نمایانگر گرایش به سمت کشورهای با درآمد متوسط و پایین است. ولی قدرمطلق نشان می‌دهد که گرایش به سمت نواحی با درآمد متوسط بیشتر بوده است. منحنی لورنز توزیع این کمک‌ها نشان می‌دهد که منطقه آفریقا (۵۲ درصد) و جنوب شرق آسیا (۳۳ درصد) به ترتیب بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های چند جانبه بوده‌اند. این منحنی نشان می‌دهد که در میان کشورهای دریافت‌کننده کمک مناطق توسعه نیافته با درآمد متوسط وجود داشته است. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع کمک‌های چند جانبه نیز به دور از ملاحظات سیاسی نبوده است و نیاز تنها ملاک اهدا کمک‌های توسعه نبوده است. (نمودار ۲)

جدول ۸: شاخص سوت؛ توزیع کمک‌های رسمی عمرانی، ۱۹۹۵

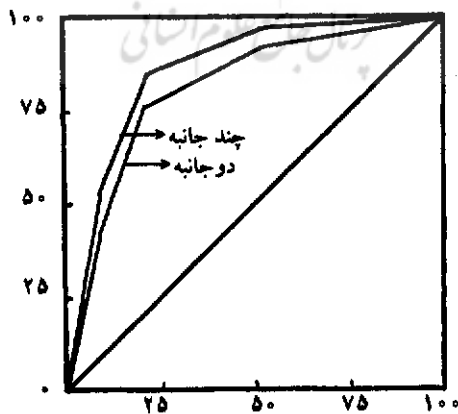
- ۰/۶۶۰	کل کمک‌ها
- ۰/۷۱۸	کمک چند جانبه
- ۰/۶۳۲	دوجانبه (DAC)
- ۰/۶۱۴	ژاپن
- ۰/۷۷۸	فرانسه
- ۰/۳۵۷	ایالات متحده
- ۰/۶۶۱	آلمان
- ۰/۷۲۱	انگلستان
- ۰/۶۶۳	سوئیس
- ۰/۹۰۱	پرتغال
- ۰/۶۹۴	ژلاندنو

توضیح: محاسبه شده براساس اطلاعات جدول ۷.

نمودار ۲: منحنی لورنز توزیع کمک‌های عمرانی کشورهای مورد بررسی



نمودار ۳: منحنی لورنز توزیع کمک‌های عمرانی دوجانبه و چند جانبه



ب) کمک‌های عمرانی دوجانبه در ۱۹۹۵ حدود ۹۸ درصد از کل کمک‌های عمرانی از جانب ۲۱ کشور DAC و مابقی توسط کشورهای عربی توزیع شده است. شاخص سوت محاسباتی $0/632 - S =$ است؛ علامت منفی تمایل به سمت کشورهای با درآمد کمتر را نشان می‌دهد، و قدر مطلق عدد نمایانگر گرایش به سمت کشورهای متوسط درآمد را نشان می‌دهد. منحنی لورنز این نوع کمک‌ها در نمودار ۳ مشخص شده است. مقایسه شاخص سوت کمک‌های عمرانی دوجانبه و چند جانبه نشان‌دهنده گرایش بیشتر کمک‌های چند جانبه به سمت کشورهای فقیر است.^۱ هر چند قدر مطلق شاخص نمایانگر این است که در هر دو نوع کمک ملاحظات استراتژیک نیز مطرح بوده است، ولی به طور کلی ملاحظات استراتژیک و گرایش‌های سیاسی در کمک‌های دوجانبه بیش از کمک‌های چند جانبه مطرح بوده است. از آن‌جا که تفاوت‌های زیادی در میان کشورهای اهداکننده مختلف وجود دارد، در ادامه به بررسی چگونگی توزیع کمک‌های عمرانی از جانب کشورهای مهم اهداکننده کمک می‌پردازیم.

ژاپن

در ۱۹۹۵، ژاپن عمده‌ترین اهداکننده کمک‌های عمرانی بوده است. حجم کمک‌های عمرانی ژاپن ۲۷ درصد کل کمک‌های عمرانی دو جانبه به مناطق در حال توسعه بوده است. شاخص سوت به دست آمده ($0/614 -$) است و منحنی لورنز نشان می‌دهد که گرایشی به سمت کشورهای با درآمد متوسط وجود داشته است (گرایش کمتر از ایالات متحد). شاخص سوت ژاپن از شاخص سوت کمک‌های دوجانبه، چند جانبه و کل کمک‌ها کوچک‌تر است که می‌تواند نمایانگر نقش مسائل استراتژیک در توزیع کمک‌های ژاپن باشد. همچنین، بررسی توزیع منطقه‌ای کمک‌ها نمایانگر این است که جنوب و شرق آسیا (۶۵/۳۵٪) مهم‌ترین دریافت‌کننده کمک‌ها از ژاپن بوده‌اند. مهم‌ترین دریافت‌کنندگان کمک از ژاپن کشورهای اندونزی، چین، فیلیپین، بنگلادش و هند بوده‌اند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که در جهت یابی کمک‌های ژاپن مصالح اقتصادی و استراتژیک نیز به اندازه کمک به مناطق محروم

۱. لازم به توضیح است که دریافت‌کنندگان عمده کمک از سازمان‌های چند جانبه کشورهای هند، مصر، بنگلادش، چین و اسرائیل هستند.

مطرح بوده است (کمک‌های رسمی عمرانی ژاپن، ۱۹۹۲).

فرانسه

در ۱۹۹۵، فرانسه دومین اهداکننده کمک‌های عمرانی بوده است. حجم کمک‌های عمرانی دو جانبه فرانسه ۵۶۵۲/۲ میلیون دلار بوده است که ۱۸ درصد کل منابع عمرانی دوجانبه جهانی را تشکیل می‌دهد. بررسی منحنی لورنز، شاخص سوت ($S = ۰/۷۷۸$) نشان می‌دهد که در مقایسه با میانگین کمک‌های عمرانی دو جانبه گرایش فرانسه به کشورهای با درآمد پایین بیشتر بوده است. از سوی دیگر، بررسی منطقه‌ای نشان می‌دهد که آفریقا (۶۷/۱۶٪) بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک، جنوب و شرق آسیا (۲۴/۸۵٪)، امریکای لاتین (۵/۱۸٪) و غرب آسیا (۲/۸۱٪) را دریافت کرده‌اند. از این رو قسمت عمده‌ای از کمک‌های فرانسه به سمت مستعمرات سابق خود رفته است. مهم‌ترین دریافت‌کنندگان کمک از فرانسه، کشورهای مراکش، ساحل عاج، تیوپی، گینه فرانسه و کنگو بوده‌اند. لذا مسائل استراتژیک به مفهوم جبران گذشته نیز مطرح بوده است.

ایالات متحد

در ۱۹۹۵، کل کمک‌های عمرانی ایالات متحد به مناطق در حال توسعه ۴۸۸۱ میلیون دلار بوده است که ۱۵/۷ درصد از کل منابع عمرانی دوجانبه جهانی را تشکیل می‌دهد و مقام سوم را دارا بوده است.

شاخص سوت $S = ۰/۳۵۷$ نشان می‌دهد که توزیع کمک‌ها تورشی به سمت کشورهای با درآمد متوسط داشته است. برای سطوح درآمدی پایین درصد تراکمی ODA کمتر از درصد تراکمی دریافت‌کنندگان کمک و برای سطوح درآمد بالاتر درصد تراکمی ODA بیش از درصد تراکمی دریافت‌کنندگان کمک می‌شود.

بررسی ناحیه‌ای نشان می‌دهد که بیشترین سهم کمک‌ها را به ترتیب آفریقا (۴۲/۷۵٪)، غرب آسیا (۲۷/۰۳٪) و امریکای لاتین (۲۳/۳۸٪) به خود اختصاص داده‌اند. عمده‌ترین دریافت‌کننده گان کمک ایالات متحد، کشورهای مصر و اسرائیل (بیش از یک جریان ODA)

بوده‌اند.^۱ لذا، در مقایسه با کمک‌های چند جانبه و دوجانبه، شاخص سوت پایین‌تر است، که نمایانگر نقش مهم منافع استراتژیک ایالات متحد در توزیع جغرافیایی کمک‌های این کشور است.

آلمان

در ۱۹۹۵، آلمان مقام چهارم را در توزیع کمک‌های عمرانی داشته است. کل کمک‌های عمرانی آلمان به مناطق در حال توسعه ۳۳۷۰/۴ میلیون دلار بوده که ۱۰/۸ درصد کل منابع عمرانی دوجانبه را تشکیل می‌دهد است. شاخص سوت به دست آمده (S = ۰/۶۶۱) و نحوه توزیع کمک‌ها نشان می‌دهد که افریقا (۴۳/۵۲٪)، جنوب و شرق آسیا (۳۶/۲۲٪) و امریکای لاتین (۱۵/۵۵٪) کل کمک‌های عمرانی آلمان را به خود اختصاص داده‌اند. مهم‌ترین دریافت‌کنندگان کمک‌های توسعه از آلمان به ترتیب ترکیه، مصر، برزیل، هند و پرو بوده‌اند. شاخص به دست آمده در مقایسه با ژاپن و ایالات متحد و کل کمک‌های دوجانبه گرایش بیشتری را به سوی کشورهای فقیر نشان می‌دهد، مع‌هذا هنوز گرایش به سمت کشورهای با درآمد متوسط قابل توجه است.

انگلستان

در ۱۹۹۵، انگلستان مقام پنجم را در توزیع کمک‌های عمرانی داشته است. کل کمک‌های انگلستان به مناطق توسعه نیافته در این سال ۱۱۸۸ میلیون دلار بوده است. بررسی شاخص سوت (S = ۰/۷۲۱) و منحنی لورنز هر چند که نمایانگر گرایش کم به سمت کشورهای با درآمد متوسط است، مع‌هذا نسبت به چهار کشور (آلمان، ایالات متحد، ژاپن و فرانسه بالاتر است) که گرایش نسبی بیشتر به سمت کشورهای کم‌درآمدتر را نشان می‌دهد. افریقا (۵۰/۷۴٪)، جنوب و شرق آسیا (۳۶/۳۹٪) از کمک‌های عمرانی انگلستان را به خود اختصاص داده‌اند.

۱. لازم به توضیح است که در دهه ۱۹۸۰ مصر و اسرائیل به ترتیب ۱۲/۶ و ۱۱/۵ درصد از کل کمک‌های امریکا را دریافت داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از شاخص سوت به بررسی و مقایسه نحوه توزیع منابع عمرانی دوجانبه و چند جانبه و برخی از اهداکنندگان مهم منابع عمرانی به مناطق درحال توسعه دنیا (افریقا، آسیا، امریکای لاتین و ...) پرداخته شده است. شاخص سوت به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع کمک‌های عمرانی ($S = -0.66$) یک تورش متوسط به سمت مناطق با درآمد متوسط داشته است. این تورش در توزیع کمک‌های دوجانبه ($S = -0.632$) نسبت به کمک‌های چند جانبه ($S = -0.718$) بیشتر بوده است.

می‌توان نتیجه گرفت که در کمک‌های عمرانی دوجانبه اهداف استراتژیک و سیاسی بیش از کمک‌های عمرانی چندجانبه مطرح بوده است. لذا در کمک‌های چند جانبه انگیزه کمک به توسعه مناطق توسعه نیافته با معنی‌تر است.

در میان کشورهای اهداکننده این کمک‌ها پایین‌ترین رقم ($S = -0.357$) مربوط به ایالات متحد و بالاترین رقم مربوط به پرتغال ($S = -0.901$) بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که در کمک‌های عمرانی ایالات متحد یک تورش شدید به سمت کشورهای متوسط درآمد وجود دارد. منافع استراتژیک ایالات متحد مهم‌ترین عامل در توزیع کمک‌های توسعه این کشور در مقایسه با سایر کشورها بوده است. در صورتی که در کمک‌های پرتغال انگیزه کمک به مناطق محروم بیشتر بوده است. شاخص به دست آمده برای ژاپن، آلمان، فرانسه و انگلستان از میانگین کمک‌های دوجانبه بالاتر است و گرایش بیشتری به سمت کشورهای متوسط درآمد داشته است. از آنجا که بیش از نیمی از منابع توسعه توسط کشورهای مذکور توزیع می‌شود و با توجه به شاخص به دست آمده برای کل کمک‌ها می‌توان نتیجه گرفت که منابع توسعه مستقل از اهداف سیاسی و اقتصادی اهداکنندگان مهم نیست.

به‌طور کلی، منافع استراتژیک کشورهای بزرگ امر مهمی در اهدای کمک محسوب می‌شود، و هدف توسعه مناطق توسعه نیافته در اولویت دوم قرار می‌گیرد. شاخص به دست آمده این نظر را که سازمان‌های چندجانبه نیز مانند سازمان‌های دوجانبه مستقل از منافع کشورهای بزرگ عمل نمی‌کنند - هرچند با قوت کمتر - تأیید می‌کند.

مأخذ

- Cassen, R., and Associate, *Dose Aid Work Report to an Intergovernmental Task Force*, Oxford, Clarendon Press, 1986.
- Clark, D.P., "Trade vs Aid: Distribution of Third World Development Assistance," *Economic Development and Cultural Change*, vol.39, no.4, July 1991.
- Ruttan, V.W. "Why Foreign Economic Assistance," *Economic Development and Cultural Change*, vol.37, no.2, 1989.
- Balogh, T., *Multilateral vs Bilateral Aid*, Oxford Economic Papers, 193, 1967. pp. 328-44.
- United Nations, *World Economic and Social Survey 1990-1997*.
- McGillvary, M., "The Allocation of Aid among Developing Countries: A Multi Doner Analysis Using a Per capita Aid Index," *World Development*, vol. 17. no. 49 April 1989.
- Clark, D.P., "Distribution of Official Development Assistance among Developing Countries, and Recipient," *Development Journal*, XXX,3, 1995.
- Japan's Official Development Assistance, June 30, 1992.
- OECD, *Geographical Distribution of ODA*, 1993.
- International Monetary Fund, *Official Financing for Developing Countries*, IMF, 1998.
- International Monetary Fund, *World Economic Outlook, IMF*, May 1998 and 1997.
- International Monetary Fund, *Annual Report 1998, IMF*, 1999.
- International Monetary Fund, *Debt Tables*, different issues.